

۶ و روزی واقع شد که پسران خدا آمدند تا به حضور خداوند حاضر شوند؛ و شیطان نیز در میان ایشان آمد. ۷. و خداوند به شیطان گفت: «از کجا آمدی؟» شیطان در جواب خداوند گفت: «از تردد کردن در زمین و سیر کردن در آن». ۸. خداوند به شیطان گفت: «آیا در بنده من ایوب تفکر کردی که مثل او در زمین نیست؟ مرد کامل و راست و خدا ترس که از گناه اجتناب می کند». ۹! شیطان در جواب خداوند گفت: «آیا ایوب مجّاناً از خدا می ترسد؟ ۱۰. آیا تو گِرد او و گِرد خانه او و گِرد همه اموال او، به هر طرف حصار نکشیدی و اعمال دست او را برکت ندادی و مواشی او در زمین منتشر نشد؟ ۱۱ لیکن الان دست خود را دراز کن و تمامی مایملک او را لمس نما و پیش روی تو، تو را ترك خواهد نمود». ۱۲. خداوند به شیطان گفت: «اینک همه اموالش در دست تو است؛ لیکن دستت را بر خود او دراز مکن.» پس شیطان از حضور خداوند بیرون رفت. ۱۳. و روزی واقع شد که پسران و دخترانش در خانه برادر بزرگ خود می خوردند و شراب می نوشیدند. ۱۴. و رسولی نزد ایوب آمده، گفت: «گاوان شیار می کردند و ماده الاغان نزد آنها می چریدند. ۱۵. و سابیان بر آنها حمله آورده، بردند و جوانان را به دم شمشیر کشتند و من به تنهایی رهایی یافتم تا تو را خبر دهم». ۱۶. و او هنوز سخن می گفت که دیگری آمده، گفت: «آتش خدا از آسمان افتاد و گله و جوانان را سوزانیده، آنها را هلاک ساخت و من به تنهایی رهایی یافتم تا تو را خبر دهم». ۱۷. و او هنوز سخن می گفت که دیگری آمده، گفت: «کلدانیان سه فرقه شدند و بر شتران هجوم آورده، آنها را بردند و جوانان را به دم شمشیر کشتند و من به تنهایی رهایی یافتم تا تو را خبر دهم». ۱۸. و او هنوز سخن می گفت که دیگری آمده، گفت: «پسران و دختران در خانه برادر بزرگ خود می خوردند و شراب می نوشیدند. ۱۹ که اینک باد شدیدی از طرف بیابان آمده، چهار گوشه خانه را زد و بر جوانان افتاد که مردند و من به تنهایی رهایی یافتم تا تو را خبر دهم». ۲۰. آنگاه ایوب برخاسته، جامه خود را درید و سر خود را تراشید و به زمین افتاده، سجده کرد. ۲۱ و گفت: «برهنه از رحم مادر خود بیرون آمدم و برهنه به آنجا خواهم برگشت! خداوند داد و خداوند گرفت! و نام خداوند متبارک باد». ۲۲! در این همه، ایوب گناه نکرد و به خدا جهالت نسبت نداد.

۱ و روزی واقع شد که پسران خدا آمدند تا به حضور خداوند حاضر شوند؛ و شیطان نیز در میان ایشان آمد تا به حضور خداوند حاضر شود. ۲ و خداوند به شیطان گفت: «از کجا آمدی؟» شیطان در جواب خداوند گفت: «از تردد نمودن در جهان و از سیر کردن در آن.» ۳ خداوند به شیطان گفت: «آیا در بنده من ایوب تفکر نمودی که مثل او در زمین نیست؟ مرد کامل و راست و خدا ترس که از بدی اجتناب می نماید و تا الان کاملت خود را قایم نگاه می دارد، هر چند مرا بر آن واداشتی که او را بی سبب اذیت رسانم.» ۴ شیطان در جواب خداوند گفت: «پوست به عوض پوست، و هر چه انسان دارد برای جان خود خواهد داد. ۵ لیکن الان دست خود را دراز کرده، استخوان و گوشت او را لمس نما و تو را پیش روی تو ترك خواهد نمود.» ۶ خداوند به شیطان گفت: «اینك او در دست تو است، لیکن جان او را حفظ كن.» ۷ پس شیطان از حضور خداوند بیرون رفته، ایوب را از کف پا تا کله اش به دملهای سخت مبتلا ساخت. ۸ و او سفالی گرفت تا خود را با آن بخراشد و در میان خاکستر نشسته بود. ۹ و زنش او را گفت: «آیا تا بحال کاملت خود را نگاه می داری؟ خدا را ترك كن و بمیر.» ۱۰ او وی را گفت: «مثل یکی از زنان ابله سخن می گویی! آیا نیکویی را از خدا بیابیم و بدی را نیابیم؟» در این همه، ایوب به لبهای خود گناه نکرد.

حقیقت اصلی، دوباره، سلطه و حق حاکمیت خداست. این حقیقت رو از دست ندید. در ایوب باب ۲ و ۱، شیطان با خداوند صحبت می کند و بعد از صحبت با خدا شیطان اجازه ی کار می گیرد. شیطان کاری رو که خدا اجازه ی انجامش نداد، انجام نمیده، و خدا هم از قبل به او این اجازه رو نداده. او با اجازه ی خدا کاری رو انجام میده و طوری عمل میکنه که هدف خداوند رو برآورده کنه. هدف خدا اینه که، در پایان، ایوب رو به جایی بیاره که او بگه، "گوشهام شنیده بودند، اما الان چشمهام تو رو دیده اند." ایوب به دلیل کار شیطان در زندگیش به درک عمیقتری از عظمت خدا رسیده بود. این خیلی مهمه. ایوب به دلیل کار شیطان در زندگیش به درک عمیقتری نسبت به عظمت خدا رسیده بود. شیطان با اجازه ی الهی عمل می کرد و، سرانجام، هدف الهی را بر آورده می کرد. پس، حقیقت مهمی که از این متن استنباط میشه سلطه و حاکمیت خداست.

پیروزی اخلاق غالب ایوب بود. سوالی که کتاب ایوب ارائه می ده اینه، "آیا ایوب می خواد خدا رو نفرین کنه؟" به وضوح، او وسوسه شده بود، و شیطان گفته بود که او خدا را نفرین می کند.

در عوض، ایوب خدا را جلال داد. این جالبه. شما در ایوب باب ۲۱ متوجه میشدید که ایوب به شیطان اشاره ای نکرده. او به مهاجمین و دزدانی که اموالش را غارت کردند و خانواده اش را کشتند، اشاره نمی کند. او حتی در مورد تمامی اون جراحتها در کل بدنش یا طرد شدگی از طرف همسرش صحبت نمی کنه و بهش تمرکز نمی کنه. در طول تمام این درام در کتاب ایوب، آیا ایوب در حال مجادله کردن با خداست، چون میدونه که خدا اینجا علت نهاییه؟ نه او میگه: آیا ما باید از خدا انتظار خوبی، آسایش داشته باشیم؟ و هیچ در دسری از سوی او رو نپذیریم؟ این یک منظره بسیار خدا محور از جنگ روحانی و رنج است. ایوب خدا را جلال می دهد، و شیطان را پست می کند.

من مطمئنم زمانی که این مطالعه را انجام می دید ممکنه گیج بشید و شرایط متفاوتی رو بین افراد ببینید، جایی که شما در مشکلات یا سختی هستید. به خصوص حالا، اگر خودتونو در اون جایگاه می بینین یا اینکه دارین خودتونو برای زمانی که ممکنه در اون جایگاه قراربگیرید، آماده می کنین، من میخوام به شما یاد آوری کنم که رنج، به درستی تنها از دیدگاه سلطه و حاکمیت آسمانی قابل فهمه. این همون قسمتی که ایوب خدا رو جلال میده و شیطان رو پست می کنه. ایوب اصلاً روحشم خبر نداشت که مکالمه ای بین خدا و شیطان در آسمان اتفاق افتاده. اما ما این رو با خوندن این کتاب می دونیم. ایوب نمی دونست که داره در این مسیر در زندگیش قدم بر می داره. به عنوان یک نتیجه، او دیدگاه خیلی محدودی از رنجش داشت.

این رنج برای ما آشناست برای اینکه می دونیم، که اون یه امتحانه و ایوب داره در این امتحان قبول میشه، اما دیدگاه سلطه و حاکمیت رو فراموش نکنین. فقط این دیدگاه رو تصور کنین؛ شیطان به خدا نزدیک میشه، خدا به وسیله ی صد هزار فرشته احاطه شده، و شیطان به خدا میگه، "او واقعاً به تو اعتماد نداره، دوستت نداره، پرستشت نمی کنه. این فقط به دلیل اینه که تو بهش موفقیت و رفاه دادی. "سپس، خدامیگه،" رفاهشو ازش بگیر، و او باز هم مرا ستایش خواهد کرد. سلامتیش رو بگیر، او هنوز مرا پرستش خواهد کرد." ایوب نمی دونه که همچین اتفاقی در حال افتادنه، بنابراین ایوب تمام اموالشو از دست میده، غارت میشه. بچه ها و خانوادش نابود میشن. تمام بدنش پر از دمل میشه، و شما می تونید موجودات آسمان، فرشته ها و دیوها، را تصور کنین که در حال نظاره هستن و منتظرن ببینن چه اتفاقی قراره بیفته. آیا ایوب می خواد خدا رو نفرین کنه؟ سپس، ایوب در همون حالت رنج و درد بلند میشه، و میگه، "خداوند می دهد و خداوند پس می گیرد. ستایش برنام خداوند باد،" و ایوب

نمی دونست که، در اون لحظه، دستان دویست هزار فرشته به طرف آسمان بالا رفته و گریه کنان می گن، "شایسته است خدای ایوب." صد هزار صدا پرستش های او رو می خوندن هنگامی که شیطان با پستی در حال رفتن بود. این دیدگاه خیلی متفاوتی از رنج آسمانی است نسبت به آنچه ما در زمین داریم. ایوب خدا را جلال میده، و شیطان را خوار می کنه.

دو متن دیگه؛ یکی اینجا، و بعد از این اون یکی رو هم می گم. زکریا باب ۳، کتاب یکی مونده به آخر در عهد عتیق. چیزی که در اونجا اتفاق میفته اینه که یهوشع، رئیس کهنه، به عنوان نماینده ی مردم یهودا ایستاده در حضور خداوند تصویر شده، و شیطان مدعی است، اونجا ایستاده تا یهوشع رئیس کهنه رو به گناه متهم کنه. چیزی که اینجا اتفاق میفته این تصویره که خدا در حال پاک کردن قومش از طریق برداشتن گناه ها و بخشیدن عدالت خودش به آنهاست. در آخر این متن، شما یکی از زیباترین وعده های عیسی مسیح، کسی که قراره بیاد؛ بنده ی خدا؛ شاخه ای از داوود ؛ **سنگ**؛ مسیح وعده داده شده، و شیطان رو که محدود شده، می بینید.

سپس یهوشع رئیس کهنه را به من نشان داد که به حضور فرشته ی خداوند ایستاده بود، و شیطان که برای مخاصمه کردن در سمت راستش ایستاده بود. خداوند به شیطان گفت، "خداوند تو را نهیب نماید، ای شیطان! خداوند، که اورشلیم را برگزیده است، تو را نهیب نماید! آیا این نیم سوزی نیست که از میان آتش ربوده شده است؟"

۳ و یهوشع به لباس پلید ملتبس بود و به حضور فرشته ایستاده بود. ۴ و آنانی را که به حضور وی ایستاده بودند خطاب کرده، گفت: «لباس پلید را از برش بیرون کنید.» و او را گفت: «ببین عصیان ترا از تو بیرون کردم و لباس فاخر به تو پوشانیدم.» ۵ و من گفتم که عمامه طاهر بر سرش بگذارند. پس عمامه طاهر بر سرش گذاردند و او را به لباس پوشانیدند و فرشته خداوند ایستاده بود. ۶ و فرشته خداوند یهوشع را اعلام نموده، گفت: ۷ «یهوه صبا یوت چنین می فرماید: اگر به طریق های من سلوک نمایی و

ودیعت مرا نگاه‌داری تو نیز خانه مرا داوری خواهی نمود و صحن‌های مرا محافظت خواهی کرد و تو را در میان آنانی که نزد من می‌ایستند بار خواهم داد. ۸. پس ای یهوشع رئیس کهنه‌بشنو تو و رفقاییت که به حضور تو می‌نشینند، زیرا که ایشان مردان علامت هستند. (بشنوید) زیرا که اینک من بنده خود شاخه را خواهم آورد. ۹. و همانا آن سنگی که به حضور یهوشع می‌گذارم، بر یک سنگ هفت چشم می‌باشد. اینک یهوده صبا یوت می‌گوید که من نقش آن را رقم خواهم کرد و عصیان این زمین را در یک روز رفع خواهم نمود. ۱۰. و یهوده صبا یوت می‌گوید که هر کدام از شما همسایه خود را زیر مؤ و زیر انجیر خویش دعوت خواهید نمود. (زکریا ۳: ۱۰-۳)

شیطان محدود شده. اگر به زکریا باب ۳ نگاه کنیم، به شیطان حتی اجازه ی صحبت داده نشده. او برای مخاصمت اونجاست، اما این فرصت رو بدست نمی‌آرد. دوباره، زمانی که باهاش صحبت میشه، صحبت می‌کنه. او محدود شده. مشکل گناه. مردم یهودا گناه کرده بودند، و نیاز بود که پاک بشن. اونها مسئول گناهانشان بودند. نیاز بود که خدا گناهانشون رو برداره، و به وسیله ی فیضش اون کارو انجام داد، و این وعده رو داد که نجات دهنده ای می‌آید. این یک متن باورنکردنی است.

حالا، می‌خوام که به متن قبلی برگردین. و یه چیزی کنار یادداشت هاتون بنویسین. به دانیال باب ۱۰، برید. من تو دو مورد متفاوت این رو ذکر کردم، اما شما باید یک نگاه اجمالی از این داشته باشید. می‌خوام که دانیال ۱۰: ۱-۱۴ رو بخونیم. کل کتاب دانیال واقعاً بینش زیادی نسبت به فرشته ها و دیوها ارائه میده. ما این بینش رو در طول کتاب می‌بینیم. چیزی که اتفاق افتاده اینه که، دانیال قلبشو در این راه گذاشته بود که درک کنه، چرا قوم خدا به اسرائیل باز نگشته بودن، و او برای مدت معینی دعا کرد و روزه گرفت تا خدا قومشو به حال اول برگردونه. بعد از اینکه برای مدت طولانی دعا کرد و روزه گرفت، یک فرشته به او ظاهر شد. این یکی از توصیفاتی است که ما قبلاً در مبحث فرشته ها دیدیم، اما می‌خوام که به چیزی که فرشته به او میگه گوش کنیم، و بعد – از اون قضیه رد میشیم.

دانیال ۱۰: ۱-۱۴، "او ادامه داد،" این فرشته است که با دانیال صحبت می‌کنه: ۱۲ و مرا گفت: «ای دانیال مترس زیرا از روز اول که دل خود را بر آن نهادی که بفهمی و به حضور خدای خود تواضع‌نمایی سخنان تو مستجاب گردید. و من به سبب سخنان آمده‌ام. ۱۳ اما رئیس مملکت فارس بیست و

یكروز با من مقاومت نمود و میکائیل كه یکی از رؤسای اولین است به اعانت من آمد و من در آنجا نزد پادشاهان فارس ماندم. ۱۴ و من آمدم تا تو را از آنچه در ایام آخر بر قوم تو واقع خواهد شد اطلاع دهم زیرا كه این رؤیا برای ایام طویل است.

او بیشتر در مورد اتفاقی كه در حال انجام است صحبت می كند. فرشته میگه، "دعاهات از روز اول و هر روز تا ۲۱ روز شنیده شده بود. این تنها توصیفی از كشتی با يك پادشاه نیست، منظور پادشاه پارس است؛ مفهوم این متن اینه كه این يك فرشته ی شریره، و حقیقت اینه، زمانی كه دانیال شروع به دعا كرد، دعا هاش در روز اول شنیده شد، و به مدت بیست و يك روز جنگی در آسمانها بین این فرشته و روح شریر سرزمین پارس در گرفت. میکائیل آورده میشه، و يك پیشرفت غیر منتظره اتفاق میفته. سپس فرشته در مورد اینکه چطور این مسئله بر یونان در چند روز آینده اثر میگذاره صحبت میکنه. این واقعاً متن عجیبی از جنگ است.

فقط در این مورد فكر كنید: همون طور كه ما در حال دعا كردن و روزه و جستجوی خداوند و صدا زدن او هستیم، در دانیال باب ۱۰ حكایت اینه كه جنگی وجود داره، كه عیناً، در آسمانها در حال اتفاقه. حال، دانیال اینو نمی دونست. دانیال نمی گه كه، "فرشته، این كارو بكن. فرشته، اون كارو بكن." او به خدا دعا می كنه، و نمی دونه كه، در راستای دعاش جنگی در آسمانها در گرفته، و در دعا باقی می مونه. او توقف نمی كنه؛ او در همون حالت باقی می مونه و پیروزی حاصل میشه. اینه حكایت دانیال باب ۱۰. اگراون متن رو مطالعه كنین، شما رو برای دعا به زانو میاره و به شما كمك میکنه كه يك دید اجمالی بدست بیارید از اتفاقی كه وقتی به طور جدی برای دعا به سمت خداوند میرید، میفته.

بنابراین، اینها هفت متن از عهد عتیق هستند. میخوام با هم به اونها نگاه كنیم، بعدش میخوام به شما دو مشاهده، سه نتیجه گیری، و سپس يك سؤال بدم.

### مشاهدات جالب...

اول، دو مشاهده ی خیلی جالب كه واقعاً عجیب، به خصوص زمانی كه شما در رابطه با این حقیقت فكر می كنید كه فرهنگی كه اسرائیل را در عهد عتیق احاطه كرده بود، برای هر چیزی توضیحی

شیطانی داشت. صحبت کردن در مورد دیوها یا ارواح شریر خیلی عادی بود، اما زمانی که به عهد عتیق می رسید، چیزی که می بینید، اینه که عهد عتیق شیطان و دیوها را کوچک می شمارد. شما نمی بینید که عهد عتیق همه جا از شیطان، دیوها و روح های شریر صحبت کنه. از زمانی که خداوند کلامش رو به قومش فرستاد این دیگه مرسوم نبود. حقیقت اینه که عهد عتیق بر جهان بینی مرموز ملت های اطراف صحه نمی ذاره؛ و جایی به توضیحات شیطانی آنها نمی ده. به عبارت دیگر، عهد عتیق یک منظر کاملاً متفاوت از شیطان، ارواح شریر و خداوند ارائه می دهد. تمرکز عهد عتیق بر جایی نیست که فرهنگ های بت پرستی اسرائیل را احاطه کرده بود.

حال، آن مسئله به این معنی نیست که دیوها در کار نیستند، اما تمرکز عهد عتیق بر کوچک شمردن شیطان و دیوهاست، و به جای آن تمرکز بر بزرگ کردن مسئولیتهای انسانی است. این خیلی مهمه. شما تمرکز عهد عتیق را بر مشکلی که از ساکن شدن دیوهاست، نمی بینید. نمی بینید که عهد عتیق بگه نوح با یک دیو تاریکی مبارزه کرد، و داوود با یک دیو زنا مبارزه کرد، یا موسی با یک دیو بی ایمانی مبارزه کرد، یا اسرائیل با یک دیو شرک و بت پرستی مبارزه کرد. شما نمی بینید که در مورد کارهای شیطان و دیوها این طور صحبت شده باشه. در عوض، تمرکز، بر مشکل، در قلب انسان است، نه در ساکن بودن دیوها، بلکه در قلب انسان. این یک نمونه ی بزرگ سازی مسئولیت انسان است. تمرکز بر شیطان و گناه در عهد عتیق بر اساس توضیحات شیطانی نیست، بلکه بر قلب انسان است. این رو در پیدایش باب ۶ در رابطه با شرارت زمین می بینید. ۵ و خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است، و هر تصور از خیالهای دلوی دائماً محض شرارت است. (پیدایش ۵: ۶). دیدید که شرارت انسان چقدر زیاد شده بود. کتاب جامعه ۹: ۳ توصیف مناسبی از شریر در قلب ماست. ۳ در تمامی اعمالی که زیر آفتاب کرده می شود، از همه بدتر این است که یک واقعه بر همه می شود؛ و اینکه دل بنی آدم از شرارت پر است و مادامی که زنده هستند، دیوانگی در دل ایشان است و بعد از آن به مردگان می پیوندند. ۹ دل از همه چیز فریبنده تر است و بسیار مریض است کیست که آن را بداند؟ (ارمیا ۹: ۱۷) این یک حقیقت مهم است. این حقیقت رو بخاطر بسپارید، چون بعداً در طول مطالعه بهش بر می گردیم. عهد عتیق شیطان و دیوها را در قبال گناه کوچک و مسئولیت انسان را در قبال گناه بزرگ می کند. مشکل ساکن بودن دیوها نیست؛ مشکل در قلب انسان است.

نتیجه گیری های عهد عتیق...

سه نتیجه گیری عهد عتیق. شماره ی یک، خداوند بر شیطان مسلط است. ما بارها و بارها این رو دیدیم. نکته اینجاست، شیطان دارای نفرت بدون حدّ است. او یک دروغ گوست. او یک نابودگر است. او یک مخاصمه گر و یک قاتل هست. این خبرهای بدی است. خبر خوب اینه که شیطان دارای قدرت محدوده. من عاشق حرفی هستم که یک نویسنده زده. او گفته، "کسی که کاملاً اسیر ملتهای غرق در تاریکی شریر و مرگ است، یک بازیگر ذخیره در یک نمایش بزرگ از عشق مقدس خدا و خشم مقدس خداست." این عالیه. او یک بازیگر ذخیره در داستان بزرگ رستگاری است. شیطان دارای نفرت نا محدود و قدرت محدوده. خدا حاکم است نه شیطان. خداوند بر طبیعت، ملتها، زندگی، مرگ و بیماری حکومت می کند؛ او بر همه چیز حاکم و مسلط هست. شیطان بر ملتها سلطه ندارد. شیطان بر بیماری ها سلطه ندارد. شیطان بر سرطان سلطه ندارد. "شیطان حتی بر زندگی و مرگ ما سلطه ندارد. یعقوب میگه، "اگر خدا بخواد زنده می مانیم، اگر نه خواهیم مرد. خداوند بر تمامی این چیزها سلطه دارد و حکومت می کند، نه شیطان.

نتیجه گیری دوم، گناه مشکل اولیه و عمده ی انسان است. ما در مقابل گناهانمان مسئولیم. عهد عتیق سرزنش یا مسئولیتی رو برای شریر و بر شیطان قرار نمیده. مردم مسئول شرارت خود هستند. چه کسی مسئول گناه پیدایش باب ۳ است؟ آدم و حوا. چه کسی در داستان شاول مسئول گناه است؟ شاول مسئول است. اخاب مسئول گناه خود است. مردان و زنان مسئول گناهان خودشان هستند.

عهد عتیق این را درس می دهد که ما، به عنوان یک نتیجه، در پرتو گناهانمان باید نسبت به خدا مسئول باشیم. اگر مسئول باشیم، پس برای مسئولیت خود نسبت به خدا هم مسئول هستیم. توصیفی که بارها و بارها در عهد عتیق می بینیم اینه که در هر یک از این دو تا، ما نسبت به گناهانمون مسئول باشیم، یا در گناهانمون بمیریم، و اون پیغامیه که خداوند بارها و بارها به قومش داده. چگونه بابت پرستی مقابله می کنید؟ چگونه با انحراف جنسی مقابله می کنید؟ چگونه با دروغ گویی و تقلب و دزدی مقابله می کنید؟ جوابی که عهد عتیق میده، همیشه توبه است. توبه. از گناه خود برگشته و به سوی خداوند باز گردید. به خدا اعتماد داشته باشید. از خداوند پیروی کنید. از خداوند اطاعت کنید.

به غیبت آشکار دیوها در عهد عتیق توجه کنید. ما در عهد عتیق نمی بینیم که دیوها از مردم اخراج شوند. ما داریم می بینیم که مردم در حال کشمکش با گناه هستند و به آنها گفته می شود که توبه کنید



و به خدا اعتماد داشته باشید. این گونه است که جنگ روحانی در عهد عتیق در جریان است. مطمئن شوید که اونها به یاد داشته باشید. جنگ روحانی، به این روش، خدا محور است، نه دیو محور. خداوند مرکز توجه است. دیوها در مرکز داستان نیستند؛ اونها در پشت صحنه هستند. شیطان در عهد عتیق به یک زنجیر کوتاه بسته شده.

حالا، کل این مطلب با خودش یک سؤال میاره: "اگر خدا بر شریر حکومت می کنه، و او حتی از ارواح شریر به عنوان مأمور اجرای داوری اش برای دست یابی به اهداف خود استفاده می کنه، پس چه طور یک خدای مقدس با شریر رابطه داره؟ این سؤال خیلی مهمیه. این سؤالیه که میخوام با هم شروع به بررسی اش بکنیم: خدا چگونه با گناه ارتباط پیدا می کنه؟ خداوند چگونه با شریر ارتباط پیدا می کنه؟ چالش پیش روی شما اینه که در پنج دقیقه ی آینده سعی کنید و هر چیزی رو که می خوام الان بهتون درس بدم متوجه بشید، برای اینکه ما داریم وارد برخی اصول و الهیات واقعاً سخت در عهد عتیق می شیم. بنابراین در پنج دقیقه ی آینده سعی کنید که به حرف های من دقت کنید تا اونا رو متوجه بشید.

خداوند به طرق مختلف به گناه ربط پیدا میکنه. این یعنی او به روشهای مختلف و در زمانهای متفاوت در عهد عتیق به گناه مربوط می شود. گاهی اوقات در عهد عتیق، خداوند از گناه جلوگیری می کنه. ما نمی خواهیم که تمام این مثالها رو بررسی کنیم، اما اون چیزیه که پیدایش ۶: ۲۰ به مانشون میده. ۶ خدا وی را در رؤیا گفت: «من نیز می دانم که این را به سادگی خود کردی، و من نیز تو را نگاه داشتم که به من خطا نوری، و از این سبب نگذاشتم که او را لمس نمایی. (پیدایش ۶: ۲۰) . گاهی اوقات خداوند از وقوع گناه جلوگیری می کنه. ۱۳ بنده/ات را نیز از اعمال متکبران باز دار تا بر من مسلط نشود ؛ آنگاه بی عیب و از گناه عظیم مبرا خواهم بود. (مزامیر ۱۳: ۱۹)

در بعضی زمانها ، خداوند گناه رو مجاز می کنه. او به گناه اجازه می ده. ۱۱ لیکن قوم من سخن مرا نشنیدند و اسرائیل مرا ابا نمودند . ۱۲ پس ایشان را به سختی دلشان ترک کردم که به مشورت های خود سلوک نمایند. (مزامیر ۸۱: ۱۱-۱۲) عهد عتیق این درس را می دهد که گاهی اوقات او ما را با گناهان ما به حال خود رها میکند.

یک جای دیگر، می بینیم که خدا گناه رو هدایت می کنه. او گناه رو بر می داره، و اون رو به سمت نیکی هدایت می کنه. ۱۹ یوسف ایشان را گفت: «مترسید زیرا که آیا من در جای خدا هستم؟ ۲۰ شما درباره من بد اندیشیدید، لیکن خدا از آن قصد نیکی کرد، تا کاری کند که قوم کثیری را احیا نماید، چنانکه امروز شده است. (پیدایش ۱۹: ۵۰-۲۰). این داستان برادران یوسف است. ما در یک لحظه ی آینده دوباره به این داستان بر می گردیم.

گاهی اوقات خداوند گناه رو محدود می کنه. شاید او در یک وضعیت به طور کامل از شریر جلوگیری نمی کنه، اما او حد و اثر گناه رو مهار می کنه. ۱۲ خداوند به شیطان گفت: «اینک همه اموالش در دست تو است؛ لیکن دستت را بر خود او دراز مکن.» پس شیطان از حضور خداوند بیرون رفت. (ایوب ۱: ۱۲)

بنابراین، خدا به تمامی این روشها با گناه مربوط میشه، اما این حقیقت رو فراموش نکنین: خداوند هرگز مستقیماً باعث گناه نمی شه. این خیلی مهمه. خداوند هیچ گاه مستقیماً باعث گناه نمی شه. خدا هرگز در کتاب مقدس گناه نمی کنه، و خداوند هرگز برای گناه در کتاب مقدس مورد سرزنش قرار نگرفته. کتاب مقدس هیچ جا خداوند رو در حال انجام کار بدی نشون نمیده. این حقیقت رو فراموش نکنید. خداوند هرگز مأمور شخصی برای وسوسه ی ما به شرارت نبوده. حتی در سلطه اش بر شیطان، او هنوز قادره که قدوسیت کامل خود رو حفظ کنه. قدوسیت و خوبی او هرگز حتی برای یک لحظه هنگامی که با گناه در ارتباط بود مورد اعتراض یا پرسش قرار نگرفت.

این خیلی مهمه چون، اگر مراقب نباشیم، دو برداشت اشتباه متفاوت می کنیم. اگر بگیم که خدا خودش کارهای شر رو انجام میده، اونوقت ما نیکی و عدالت خدایی را که شایسته ی پرستش های ماست انکار کردیم، پس ما نمی خوایم که اون قضیه رو باور کنیم. کتاب مقدس اون رو درس نمیده. در عین حال، اگر بگیم که خدا بر همه چیز سلطه نداره، که یک سری شرارت هایی وجود دارن که او بر آنها سلطه نداره، پس به این معنی که چیزهایی وجود دارن که از کنترل او خارج هستن، که چنین چیزی هم در کتاب مقدس تعلیم داده نشده. ما میخوایم مطمئن بشیم که به هیچ یک از این اشتباه ها باور نکنیم. خدا هرگز مستقیماً باعث گناه نمی شود. پس ما چه طور خدا و شر را تطبیق دهیم؟

چیزی که تا الان خونديم چگونگی ارتباط خدا با گناه بود. حالا، راجع به شرير فكر كنيد. خدا به خوبی و بدی به طور يكسان ربط پيدا نميكنه كه اين معانی مختلفی دارد. او از طریقی به خوبی ربط دارد كه با طریق ارتباطش با بدی متفاوتة. مطمئن بشيد كه چیزی رو كه الان گفتم متوجه شديد. می دونم كه مشكله، اما سعی كنید اون رو متوجه بشید. خدا و خوبی، تمام چیزهایی كه خوبه تحت سلطه ی خداونده. خداوند سرتاسر و كاملاً نيكوئیة، و تمام چیزهایی رو كه خوب هستن كنترل می كنه. ۱. خداوند را حمد بگويد زیرا كه او نيكو است و رحمت او باقی است تا ابد الاباد. (مزامیر ۱: ۱۰۷) ۱۱. به ایشان بگو: خداوند يهوده می فرماید: به حیات خودم قسم كه من از مردن مرد شرير خوش نیستم بلکه (خوش هستم) كه شرير از طریق خود بازگشت نموده، زنده ماند. ای خاندان اسرائیل بازگشت نمایید! از طریق های بد خویش بازگشت نمایید زیرا چرا بمیرید؟ (حزقیال ۱۱: ۳۳) ۳۱. زیرا خداوند تا به ابد او را ترك نخواهد نمود. ۳۲. زیرا اگر چه کسی را محزون سازد لیكن بر حسب كثرت رافت خود رحمت خواهد فرمود. ۳۳. چونكه بنی آدم را از دل خود نمی رنجاند و محزون نمی سازد. (مراثی ارمیا ۳: ۳۱-۳۳)

من اون حقیقت رو به تفصیل شرح می دم و می گم تمام چیزهایی كه خوبه از نظر معنوی در اختیار خداست. تمام چیزهایی كه خوبه از خداوند جاری میشه. ۲۴. ای خداوند يهوده تو به نشان دادن عظمت و دست قوی خود به بنده ات شروع کرده ای، زیرا كدام خداست در آسمان یا در زمین كه مثل اعمال و جبروت تو می تواند عمل نماید. (تثنیه ۳: ۲۴). ما هیچ كجا در كلام نمی بینیم كه نيكویی اخلاقی سرانجام از طرف يك مخلوق جاری بشه. اون خصوصیتیة كه همیشه به خالق نسبت داده شده. كل نکته همین است.

وقتی به عهد جدید می آيید، به رومیان ۹: ۳-۱۲ نگاه كنید،

۹. پس چه گوییم؟ آیا برتری داریم؟ نه به هیچ وجه! زیرا پیش ادعا وارد آوردیم كه يهود و یونانیان هر دو به گناه گرفتارند. ۱۰. چنانكه مکتوب است كه "كسی عادل نیست، یکی هم نمی."
  ۱۱. کسی فهم نیست، کسی طالب خدا نیست. ۱۲. همه گمراه و جمیعاً باطل گردیده اند.
- نيكوکاری نیست یکی هم نمی.

بنابراین، ما سبب خوبی نمی شویم. خدا کسی است كه فراهم آوردن خوبی به او نسبت داده شده. هر چیزی كه خوبه از خدا میاد. او در هر چیز خوبی اولین هست، و ما دومین. آیا این رو می فهمید؟

همه ی نیکوئی های اخلاقی از جانب او هستند. مطمئن بشید که این مطلب در ذهن شما تازه بمونه، برای اینکه وقتی که پای خدا و شریر، به میان میاد، تمام چیزهای بد تحت سلطه ی اوست، درست مثل تمام چیزهایی که خوبن. درست همون طور که راجع به خوبی دیدیم، تمام چیزهایی که بد هستند تحت سلطه ی او هستند. مراثی ارمیا ۳۸:۳، در آخر اون متن، ۳۸ آیا از فرمان حضرت اعلی همبدی و هم نیکویی صادر نمی شود؟ به عنوان مثال، در هنگام مطالعه ی متن کتاب خروج که در مورد سخت شدن قلب فرعون است، متوجه خواهید شد که خداوند قلب فرعون رو سخت می کنه، و همچنین، فرعون هم در حال سخت کردن قلب خودشه.

۲۱ و خداوند به موسی گفت: «چون روانه شده، به مصر مراجعت کردی، آگاه باش که همه علاماتی را که به دست سپرده ام به حضور فرعون ظاهر سازی، و من دل او را سخت خواهم ساخت تا قوم را رها نکند. ۲۲ و به فرعون بگو خداوند چنین می گوید: اسرائیل، پسر من و نخست زاده من است، ۲۳ و به تو می گویم پسر مرا رها کن تا مرا عبادت نماید، و اگر از رها کردنش ابا نمایی، همانا پسر تو، یعنی نخست زاده تو را می کشم. (خروج ۲۱:۴-۲۳).

شما مثالهایی این چنینی در سراسر کتاب مقدس می بینید.

۲۰ زیرا از جانب خداوند بود که دل ایشان را سخت کند تا به مقابله اسرائیل در آیند و او ایشان را بالکل هلاک سازد، و بر ایشان رحمت نشود بلکه ایشان را نابود سازد چنانکه خداوند به موسی امر فرموده بود. (یوشع ۲۰:۱۱)

۲۵ اگر شخصی بر شخصی گناه ورزد، خدا او را داوری خواهد کرد؛ اما اگر شخصی بر خداوند گناه ورزد، کیست که برای وی شفاعت نماید؟» اما ایشان سخن پدر خود را نشنیدند، زیرا خداوند خواست که ایشان را هلاک سازد. (اول سموئیل ۲:۲۵)

۲۰ آنگاه ایوب برخاسته، جامه خود را درید و سر خود را تراشید و به زمین افتاده، سجده کرد ۲۱ و گفت: «برهنه از رحم مادر خود بیرون آمدم و برهنه به آنجا

خواهم برگشت! خداوند داد و خداوند گرفت! و نام خداوند متبارك باد «۲۲! در این همه،  
ایوب گناه نکرد و به خدا جهالت نسبت نداد. (ایوب ۲۰: ۱-۲۲)

۷ پدید آورنده نور و آفریننده ظلمت. صانع سلامتی و آفریننده بدی.  
من یهوه صانع همه این چیزها هستم. (اشعیا ۴۵-۷)

اون حقیقت که تمام چیزهایی که بده تحت کنترل اوست در تمامی این متن ها مشهود هست.

اگر چه، اینجا جایی است که این مسئله متفاوت است. درحالی که تمام چیزهایی که خوبه در کتاب مقدس  
از لحاظ معنوی شارژ به خداست، تمام چیزهایی که بد است از لحاظ معنوی شارژ به او نیست. به  
وضوح، تمام کتاب مقدس هرگز خدا را با شریر متهم نمی کند. او همیشه شریر را به عوامل دیگر، علت های  
دیگر نسبت می دهد. کتاب مقدس، به حق و مکرراً، مخلوقات روح دار را برای شرارتی که انجام می  
دهند سرزنش می کند، و ما این رود را شعیاباب ۶۶ می بینیم.

۳ کسی که گاوی ذبح نماید مثل قاتل انسان است و کسی که گوسفندی ذبح کند  
مثل شخصی است که گردن سگ را بشکند. و آنکه هدیه ای بگذراند  
مثل کسی است که خون خنزیری را بریزد و آنکه بخور سوزاند مثل شخصی است که بتی را  
تبریک نماید و ایشان راه های خود را اختیار کرده اند و جان ایشان از  
رجاسات خودشان مسرور است. ۴. پس من نیز مصیبت های ایشان را اختیار خواهم کرد و  
ترسهای ایشان را بر ایشان عارض خواهم گردانید، زیرا چون خواندم کسی جواب نداد و  
چون تکلم نمودم ایشان نشنیدند بلکه آنچه را که در نظر من ناپسند بود بعمل آوردند و آنچه را  
که نخواستم اختیار کردند. (اشعیا ۳: ۶۶-۴)

آخر آن متن یک مثال برجسته است، اما سرزنش برای شر، مسئولیت در قبال شرارت همیشه بر مخلوق  
است، چه انسان و چه دیو کسی که انجامش داده، و بر خالق نیست.

اینجا جایی هست که بایکی از حقیقت‌های هسته ای در انجیل رودر رومی شویم. خداوند سرتاسر، تماماً و کاملاً خوب است، و ما گناه کرده ایم از او روی برگردانده و برضد او سرکشی کرده ایم. پولس می گوید، هیچ چیز خوبی در ما نیست. بنابراین، ما نیاز به نیکی خداوند داریم که تازه بتوانیم به سمتش برگردیم. تمام چیزهایی که خوبه از لحاظ معنوی شارژ به اوست. تمام چیزهایی که بده از لحاظ معنوی شارژ به ماست، چه موجودات، چه انسان، چه ارواح شریر، یادیه‌ها.

حالا، چه طور تمام اینها با هم کار می کنند؟ من فقط می خوام به شما یادآوری کنم، و این چیزیه که مادر موردش در مبحث کلیسای مخفی خدا کیست، صحبت کرده بودیم. نقشه ی سازگار خدا را به یاد داشته باشید. چگونه اینها با هم کار می کنند؟ چگونه این دو حقیقت با هم تشکیل یک راز رومیدن، اما اینجاد و حقیقت هست. شماره ی یک، خدا در حال کنترل است. خدا به طور کلی در حال کنترل است. شماره ی دو، ما انتخاب می کنیم. خدا در حال کنترل است، و ما انتخاب می کنیم. هر دوی این جمله هادرست هستند. اجازه بدید دو مثال به شما ارائه بدم. به داستان برادران یوسف در پیدایش باب. ۵ نگاه کنید. ۱۹ یوسف ایشان را گفت: «مترسید زیرا که آیا من در جای خدا هستم؟ ۲۰ شما درباره من بد اندیشیدید، لیکن خدا از آن قصد نیکی کرد، تا کاری کند که قوم کثیری را احیا نماید، چنانکه امروز شده است. (پیدایش ۱۹: ۵۰-۲۰)

بگذارید از تون یک سؤال بپرسم. آیا برادران یوسف هنگامی که برادرشونوبه بردگی فروختند و برای مخفی کردن کارشون دروغ گفتن، به دلیل گناه مقصر بودن؟ آیا به دلیل گناه مقصر بودن؟ آیا برای اون گناه مسئول بودن؟ قطعاً. آیا خدا در حال کنترل اون بود؟ البته. او در حال کنترل تک تک جزئیات بود، و او در حال استفاده کردن از آن جهت رستگاری و نجات مردمش از قحطی ای که داشت می آمد، بود. خدا حتی زمانی که مادر حال انتخاب هستیم در حال کنترل است.

این ایده حتی به طرز زیبایی در اعمال رسولان باب ۲ توصیف شده است،

۲۲ "ای مردان اسرائیلی این سخنان را بشنوید. عیسی ناصری مردی که نزد شما از جانب خدا مبرهن گشت به قوای و عجایب و آیاتی که خدا در میان شما از او صادر گردانید، چنانکه خود می دانید، ۲۳ این شخص چون بر حسب اراده مستحکم و پیشدانی خدا تسلیم شد، شما

به دست گناهکاران بر صلیب کشیده، کشتید، ۲۴ که خدا دردهای موت را گسسته، او را  
برخیزانید زیرا محال بود که موت او را در بند نگاه دارد، (اعمال رسولان ۲۲:۲۳-۲۴)

آیا شاکیان، شکنجه گران و قاتلان عیسی برای کشتن او بر صلیب مسئول بودند؟ قطعاً. آنها اینجا برای  
گناه قتل مسئول بودند. آیا آنها انتخاب کردند که او را به قتل برسانند؟ قطعاً. "شما او را کشتید." آیا  
خدا بر این وقایع حاکم بود؟ بله، بر هر جزئی. خدا عقب ننشسته بود، که به سادگی امید داشته باشد که  
همچنین اتفاقی بیافته که باعث نجات مردمش بشه. این هدف خدا با آگاهی و از پیش تعیین شده بود، که  
از مهیب ترین نمایش شیطان در تمامی تاریخ برای تأمین نجات ما استفاده کنه.

بنابراین، اینها به طرز مرموزی با هم مرتبط هستند. خدا در حال کنترل است و ما در حال انتخاب  
کردن هستیم. به عنوان یک نتیجه، این به ما کمک می کنه که به این مسئله فکر کنیم که چگونه خدا  
بر همه چیز حکومت می کنه، هم بر خوب و هم بر بد، اما هیچ وقت گناه نمی کنه. او هیچ گاه برای  
گناه سرزنش نشده. این توصیف جنگ روحانی در عهد عتیق می باشد. خداوند به طور کامل حاکم  
است. انسان به طور کامل مسئول است. تمرکز بر شیطان یا اخراج دیوها نیست. تمرکز بر توبه و  
بازگشت به سمت خداست، و شما برای انجام آن مسئولید. هر چیزی که در حال اتفاق افتادنه تحت  
حاکمیت خداست، و در نهایت اوست که شاید برای انجام خوبی از شریر استفاده کنه. عهد عتیق و جنگ  
روحانی وجود دارد. می تونید هفته ها در آن اندیشه کنید.

## مسیح و جنگ روحانی

### یک نبرد مستقیم...

حالا، به مسیح نگاه خواهیم کرد. کتاب مقدس را ورق می زنیم تا به عهد جدید برسیم، و صحنه ی  
خیلی متفاوتی رومی بینیم. این واضحه که مسیح در هر زمانی در حال اخراج دیوها و ارواح شریره،  
مخصوصاً، در مقایسه با عهد عتیق. چرا چنین درک متفاوتی از جنگ روحانی می بینیم؟

از شما می خوام که به توصیف مسیح در اناجیل فکر کنید. جنگ روحانی یک نبرد مستقیم است. در  
ابتدای زندگی او، تلاشی برای کشتن مسیح وجود داره، زمانی که هیروдіس پادشاه فرمان پیدا کردن و  
کشتن بچه ها رو صادر می کنه.

۱۶ چون هیرودیس دید که مجوسیان او را سُخریه نموده‌اند، بسیار غضبناک شده، فرستاد و جمیع اطفالی را که در بیت لحم و تمام نواحی آن بودند، از دو ساله و کمتر موافق وقتی که از مجوسیان تحقیق نموده بود، به قتل رسانید. ۱۷. آنگاه کلامی که به زبان ارمیای نبی گفته شده بود، تمام شد: ۱۸. «آوازی در رامه شنیده شد، گریه و زاری و ماتم عظیم که راحیل برای فرزندان خود گریه میکند و تسلی نمیپذیرد زیرا که نیستند.» (متی ۱۶: ۲-۱۸)

این اتفاق در اول زندگی او رخ داد، و سپس در ابتدای خدمتش در متی ۴ و لوقا ۴، می بینیم که خدمت مسیح با وسوسه اش توسط شیطان در بیابان آغاز می شه.

۱ آنگاه عیسی به دست روح به بیابان برده شد تا ابلیس او را تجربه نماید. ۲. و چون چهل شبانه روز روزه داشت، آخر گرسنه گردید. ۳. پس تجربه کننده نزد او آمده، گفت: «اگر پسر خدا هستی، بگو تا این سنگها نان شود.» ۴. در جواب گفت: «مکتوب است انسان نه محض نان زیست میکند، بلکه به هر کلمه ای که از دهان خدا صادر گردد.» ۵. آنگاه ابلیس او را به شهر مقدس برد و بر کنگره هیکل برپا داشته، ۶ به وی گفت: «اگر پسر خدا هستی، خود را به زیر انداز، زیرا مکتوب است که فرشتگان خود را درباره تو فرمان دهد تا تو را به دستهای خود بگیرند، مبادا پایت به سنگی خورد.» ۷. عیسی وی را گفت: «و نیز مکتوب است خداوند خدای خود را تجربه مکن.» ۸. پس ابلیس او را به کوهی بسیار بلند برد و همه ممالک جهان و جلال آنها را بدو نشان داده، ۹ به وی گفت: «اگر افتاده مرا سجده کنی، همانا این همه را به تو بخشم.» ۱۰. آنگاه عیسی وی را گفت: «دور شو ای شیطان، زیرا مکتوب است که خداوند خدای خود را سجده کن و او را فقط عبادت نما.» ۱۱. در ساعت ابلیس او را رها کرد و اینک فرشتگان آمده، او را پرستاری مینمودند. (متی ۴: ۱-۱۱)



آغاز زندگی او، آغاز خدمت او، و همونطور که در اناجیل جلو می رویم، جنگ روحانی او را در مرکز زندگی و خدمتش می بینیم. او در حال اخراج کردن دیو هاست.

۳۷ روز بعد وقتی از کوه پایین می آمدند جمعیت زیادی در انتظار عیسی بود. ۳۸ ناگهان مردی از وسط جمعیت فریاد زد: «ای استاد، از تو التماس می کنم به پسر من، که تنها فرزند من است، نظری بیاندازی، ۳۹ روحی او را می گیرد و ناگهان نعره می کشد، کف از دهانش بیرون می آید و بدنش به تشنج می افتد و با دشواری زیاد او را رها می کند. ۴۰ از شاگردان تو تقاضا کردم که آن روح را بیرون کنند اما نتوانستند.» ۴۱ عیسی پاسخ داد: «مردمان این روزگار چقدر بی ایمان و فاسد هستند! تا کی با شما باشم و شما را تحمل کنم؟ پسرت را به اینجا بیاور.» ۴۲ اما قبل از آنکه پسر به نزد عیسی برسد دیو او را به زمین زد و به تشنج انداخت. عیسی با پرخاش به روح پلید دستور داد خارج شود و آن پسر را شفا بخشید و به پدرش بازگردانید. (لوقا ۳۷: ۹-۴۳)

لوقا باب ۹ یک تصویر است: "«ای استاد، از تو التماس می کنم به پسر من، که تنها فرزند من است، نظری بیاندازی روحی او را می گیرد و ناگهان نعره می کشد، کف از دهانش بیرون می آید و بدنش به تشنج می افتد و با دشواری زیاد او را رها می کند.» " بعداً متن میگوید که، اما قبل از آنکه پسر به نزد عیسی برسد دیو او را به زمین زد و به تشنج انداخت. عیسی با پرخاش به روح پلید دستور داد خارج شود و آن پسر را شفا بخشید و به پدرش بازگردانید و همه از بزرگی خدا متحیر شدند و وقتی که همه از تمام اعمال عیسی متعجب شدند،"

او دیوها را اخراج می کند، و او در حال دفاع کردن از سلطه ی خود است. او در حال دفاع از سلطه ی خود بر نیروهای شیطانی به روشی قطعی و بسیار بحث بر انگیز است. اگر به آخر این متن در متی ۱۲، نگاه کنید، فریسیان در حال تهمت زدن به او هستند که او دیوها را با کمک رئیس دیوها بیرون می کند.

۲۲ آنگاه دیوانه‌ای کور و گنگ را نزد او آوردند و او را شفا داد چنانکه آن کور و گنگ، گویا و بینا شد. ۲۳ و تمام آن گروه در حیرت افتاده، گفتند: «آیا این شخص پسر داود نیست؟» ۲۴ لیکن فریسیان شنیده، گفتند: «این شخص دیوها را بیرون نمی‌کند مگر به یاری بعزبول، رئیس دیوها» ۲۵! عیسی خیالات ایشان را درک نموده، بدیشان گفت: «هر مملکتی که بر خود منقسم گردد، ویران شود و هر شهری یا خانه‌ای که بر خود منقسم گردد، برقرار نماند. ۲۶ لهذا اگر شیطان، شیطان را بیرون کند، هرآینه بخلاف خود منقسم گردد. پس چگونه سلطنتش پایدار ماند؟ ۲۷ و اگر من به وساطت بعزبول دیوها را بیرون می‌کنم، پسران شما آنها را به یاری که بیرون می‌کنند؟ از این جهت ایشان بر شما داوری خواهند کرد. ۲۸ لیکن هرگاه من به روح خدا دیوها را اخراج می‌کنم، هرآینه ملکوت خدا بر شما رسیده است. ۲۹ و چگونه کسی بتواند در خانه شخصی زور آور درآید و اسباب او را غارت کند، مگر آنکه اول آن زور آور را ببندد و پس خانه او را تاراج کند؟ (متی ۲۲: ۱۲-۲۹)

مسیح به آنها پاسخ می‌دهد، و می‌گوید، "لیکن هرگاه من به روح خدا دیوها را اخراج می‌کنم، هرآینه ملکوت خدا بر شما رسیده است." نکته در اینجا همین است. او داره نشون میده که پادشاهی خداوند همین جاست. "یا دوباره" مسیح می‌گوید، "چگونه کسی بتواند در خانه شخصی زور آور در آید و اسباب او را غارت کند، مگر آنکه اول آن زور آور را ببندد و پس خانه او را تاراج کند؟" حالا، آخر این متن خیلی مهمه، چون در این مثال، آن شخص زور آور شیطان است. متصرفات و غارت‌هایش جزء اموال و متاعش نیستند. آنها مردمی هستند که او چشمانشان را بر نقشه‌ی نجات کور کرده است. کاری که عیسی در حین انجام خدمتش می‌کنه اینه که داره نشون میده که قدرت گرفتار و اسیر کردن، و بستن آن زور آور رو داره. این هدف نهایی در صلیب هست. کاری که عیسی می‌کنه، اینه که، آن زور آور، کسی که آنها را در اسیری نگه داشته، گرفتار و اسیر می‌کنه. خدمت مسیح در زمین داره به ما نشون میده که شیطان محدود شده است. شیطان به وسیله‌ی عیسی محدود شده، و وعده‌ی مسیح برای ابدیت اینه که شیطان نابود خواهد شد. آتشی ابدی وجود دارد که برای شیطان و فرشتگانش مهیا شده. ۴۱ پس اصحاب طرف چپ را گوید: "ای ملعونان، از من دور شوید در آتش جاودانی که برای ابلیس و فرشتگان او مهیا شده است." (متی ۲۵: ۴۱)

بنابراین، شیطان محدود شده، و شیطان نابود خواهد شد. تمامی آنها او را به سمت تمام شدن زندگیش، جایی که صلیب، طرد کننده ی نهایی هست، هدایت می کنند. ۳۱ الحال دآوری این جهان است و الان رئیس این جهان بیرون افکنده می شود. ۳۲ و من اگر از زمین بلند کرده شوم، همه را به سوی خود خواهم کشید. (یوحنا ۳: ۱۲-۳۲). الان رئیس این جهان به بیرون افکنده می شود. صلیب طرد کننده نهایی، و قیام عیسی از مردگان پیروزی نهایی است.

۳ زیرا که اول به شما سپردم، آنچه نیز یافتم که مسیح بر حسب کتب در راه گناهان ما مرد، ۴ و اینکه مدفون شد و در روز سوم بر حسب کتب برخاست؛ ۵ و اینکه به کیفا ظاهر شد و بعد از آن به آن دوازده، ۶ و پس از آن، به زیاده از پانصد برادر یکبار ظاهر شد که بیشتر از ایشان تا امروز باقی هستند، اما بعضی خوابیده اند. ۷ از آن پس به یعقوب ظاهر شد و بعد به جمیع رسولان. ۸ و آخر همه بر من مثل طفل سقط شده ظاهر گردید. (اول قرنتیان ۳: ۱۵-۸).

۵۴ اما چون این فاسد بيفسادى را پوشید و این فانی به بقا آراسته شد، آنگاه این کلامی که مکتوب است به انجام خواهد رسید که “مرگ در ظفر بلعیده شده است. ۵۵ ای موت نیش تو کجا است و ای گور ظفر تو کجا؟” ۵۶ نیش موت گناه است و قوت گناه، شریعت. ۵۷ لیکن شکر خدا راست که ما را بواسطه خداوند ما عیسی مسیح ظفر می دهد. (اول قرنتیان ۵: ۵۴-۱۵).

مسیح، ابتدای زندگی و ابتدای خدمتش، دوره ی میانی زندگی و خدمتش، به صلیب کشیده شدنش، و رستاخیزش. سپس، در انتهای خدمتش، قبل از صعودش به آسمان، با جسارت می گوید، ۱/۸ پس عیسی پیش آمده، بدیشان خطاب کرده، گفت: «تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است». (متی ۲۸: ۱۸). این تکمیل نبوتی است که در دانیال باب ۷ آمده است:

۱۳ و در رؤیای شب نگر یستم و اینک مثل پسر انسان با ابرهای آسمان آمد و نزد قدیم  
الایام رسید و او را به حضور وی آوردند. ۱۴ و سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شد تا  
جميع قوم ها و امت ها و زبان ها او را خدمت نمایند. سلطنت او سلطنت جاودانی و بی  
زوال است و ملکوت او زایل نخواهد شد. (دانیال ۱۳: ۷-۱۴).